

مقاله ۸۰

گسترش آندیها در باختر

اگر چه انسان آبی اروپایی به تنهایی به یک تمدن بزرگ با فرهنگ دست نیافت، آن بنیان بیولوژیکی را فراهم کرد که وقتی رگه های تبار آدم وی با مهاجمان آندی دوران بعد در آمیختند، یکی از تواناترین تیره ها را برای نیل به تمدنی پویا که از هنگام ایام نژاد بنفش و جانشینان آندی آنها در یورنیشیا پدیدار شده بود به وجود آورد. مردمان سفید امروزی، رگه های بقایافته نسل آدم را که با نژادهای سنگیک مخلوط شدند و برخی سرخ و زرد اما بیشتر به طور ویژه آبی بودند، در بر می گیرند. در صد قابل ملاحظه ای از تیره اولیه اندانی و باز قدر بیشتری از رگه های اولیه نودی، در تمامی نژادهای سفید وجود دارد.

۱- نسلهای آدم به اروپا وارد می شوند

پیش از بیرون رانده شدن آخرین آندیها از دره رود فرات، بسیاری از برادران آنها به عنوان ماجراجو، آموزگار، بازرگان و جنگجو به اروپا وارد شده بودند. در طول روزگاران پیشتر نژاد بنفش باریکه مدیترانه به وسیله تنگه جبل الطارق و پل زمینی سیسیل محافظت می شد. برخی از تجارتهای دریایی بسیار پیشین انسان در این دریاچه های داخل سرزمین برقرار شدند. در آنجا انسانهای آبی از شمال و مردم صحرا از جنوب با نودیها و آدمیها از شرق دیدار کردند.

در باریکه شرقی مدیترانه نودیها یکی از فراگیرترین فرهنگهای خود را برقرار کرده و از این مراکز تا اندازه ای به داخل جنوب اروپا اما بیشتر به طور ویژه به داخل شمال آفریقا رخنه کرده بودند. سوریهای سر فراخ نودی - اندانی در همان اوان در ارتباط با اسکانه های خوش در دلتای به آرامی در حال بالا آمدن رود نیل، سفالگری و کشاورزی را عرضه نمودند. آنها همچنین گوسفند، بز، گاو و سایر حیوانات اهلی را وارد نمودند و روشهای بسیار بهبود یافته فلزکاری را آوردند. سوریه در آن هنگام مرکز آن صنعت بود.

برای بیش از سی هزار سال مصر جریانی مداوم از مردم بین النهرین را که هنر و فرهنگ خویش را به همراه آورده و هنر و فرهنگ دره رود نیل را غنی ساختند دریافت نمود. اما ورود تعداد متنابهی از مردمان صحرا از کیفیت تمدن اولیه مجاور رود نیل به اندازه زیاد کاست، طوری که مصر در حدود پانزده هزار سال پیش به پایین ترین سطح فرهنگی خود رسید.

اما در طول روزگاران پیشین مانع کمی برای مهاجرت نسل آدم به سوی غرب وجود داشت. صحرای آفریقا یک چراگاه باز بود که در حد زیاد برای گله داران و کشاورزان گسترده بود. این مردمان صحرا هرگز درگیر تولید نشدند و دست به شهر سازی نیز نزدند. آنها یک گروه نیلی - سیاه رنگ بودند که رگه های وسیعی از نژادهای از بین رفته سبز و نارنجی را حمل می کردند. اما آنها پیش از این که بالاروی زمین و بادهای در حال تغییر جهت حاوی آب، بقایای این تمدن در رفاه و صلح جو را پراکنده سازد، مقدار بسیار محدودی از میراث بنفش دریافت کردند.

خون آدم با بیشتر نژادهای بشری قسمت شده است، اما برخی بیش از دیگران آن را کسب کردند. نژادهای مختلط هند و مردمان تیره تر آفریقا برای نسل آدم جذاب نبودند. اگر انسان سرخ در قاره آمریکا به فاصله زیاد جدا نمی افتاد، نسل آدم آزادانه با وی در می آمیخت. آنها به طور مهرآمیز پذیرای انسان زرد بودند، اما دسترسی به وی نیز در آسیای دور مشکل بود. از این رو هنگامی که آنها به وسیله ماجراجویی یا هممنوع گرایی برانگیخته شدند، یا وقتی که از دره رود فرات بیرون رانده شدند، به طور بسیار طبیعی وصلت با نژادهای آبی اروپا را برگزیدند. انسانهای آبی که در آن هنگام در اروپا غالب بودند، آداب و رسوم مذهبی که برای آدمیهای مهاجر پیشین دافعه داشته باشد نداشتند، و بین نژادهای بنفش و آبی جاذبه جنسی زیادی وجود داشت. بهترین های انسانهای آبی این را افتخار بزرگی می دانستند که مجاز به ازدواج با نسل آدم گردند. هر انسان آبی این بلند پروازی را در سر می پروراند آنقدر ماهر و هنرمند گردد که بتواند از یک زن نسل آدم دلربایی کند، و این بالاترین آرزوی یک زن برتر آبی بود که توجه یک مرد نسل آدم را جلب نماید.

این فرزندان مهاجر عدن به تدریج با انواع بالاتر نژاد آبی وصلت کرده و رسوم فرهنگی آنها را تقویت نمودند، ضمن این که رگه های باقیمانده از تیره نئاندرتال را با بی رحمی ریشه کن کردند. این تکنیک آمیزش نژادی، در تلفیق با حذف رگه های پست تر یک دوجین یا بیشتر از گروه های نیرومندتر و پیشرفته تر انسانهای برتر آبی که شمایی از آنان را انسان کرومانیون نامگذاری کرده اید ایجاد نمود.

به این علت و دلایل دیگر که کمترین آنها مسیرهای مطلوب مهاجرت نبود، امواج اولیه فرهنگ بین النهرینی تقریباً به طور منحصر به فرد به اروپا راه بردند. و چنین شرایطی بود که پیش آیند تمدن امروزی اروپا را تعیین نمود.

۲- تغییرات جوی و ژئولوژیک

گسترش اولیه نژاد بنفش به داخل اروپا به وسیله برخی تغییرات ناگهانی جوی و ژئولوژیک به پایان رسید. با عقب نشینی مناطق شمالی یخی، بادهای باران زا از غرب به سوی شمال تغییر جهت داد و به تدریج چراگاههای عظیم باز صحرای آفریقا را به یک صحرای لم یزرع تبدیل کرد. این خشکسالی مردم کوتاه قامت تر، ساکنان چشم مشکلی اما سر کشیده فلات بزرگ صحرای آفریقا را پراکنده نمود.

عناصر خالص تر نیلی به سوی جنوب به جنگلهای مرکز آفریقا، جایی که تا به امروز در آن باقی مانده اند، عزیمت کردند. گروه های مختلط تر در سه جهت پخش شدند: قبایل برتر غربی به اسپانیا و از آنجا به قسمت های مجاور اروپا مهاجرت کردند و هسته نژادهای سبزه سر کشیده مدیترانه ای دوران بعد را تشکیل دادند. بخش از همه کمتر پیشرو در شرق فلات صحرای آفریقا به عربستان و از آنجا از طریق شمال بین النهرین و هند به سریلانکای دور مهاجرت کرد. گروه مرکزی به شمال و شرق به دره رود نیل و به داخل فلسطین عزیمت کرد. این شالوده سنگیک ثانویه است که از درجه مشخصی خوبشاوندی در میان مردمان امروزی که از فلات دکن تا ایران، بین النهرین و در امتداد هر دو ساحل دریای مدیترانه پراکنده شدند حکایت می کند.

حدوداً در هنگام این تغییرات جوی در آفریقا، انگلستان از قاره جدا شد، و دانمارک از دریا بالا آمد، در حالی که تنگه جبل الطارق که از حوزه غربی دریای مدیترانه محافظت می کرد در نتیجه یک زمین لرزه جدا شد و به سرعت این دریاچه واقع در خشکی را به سطح اقیانوس اطلس بالا آورد. در مدتی کوتاه پل زمینی سیسیل در زیر آب فرو رفت و یک دریای منطقه مدیترانه را ایجاد نموده و آن را به اقیانوس اطلس وصل کرد. این دگرگونی ناگهانی طبیعت چندین سکونتگاه بشری را دچار سیل زدگی کرده و موجب بزرگترین تلفات انسانی به وسیله

سیل در تمامی تاریخ کره زمین گشت.

این احاطه حوزه مدیریتانه فوراً حرکت به سوی غرب را برای نسل آدم خاتمه داد، در حالی که هجوم عظیم مردم صحرای آفریقا موجب شد آنها در صدد یافتن راه خروج برای تعداد فزاینده‌اشان به سوی شمال و شرق عدن برآیند. به تدریج که نوادگان آدم از دره‌های دجله و فرات به سوی شمال ره نور دیدند، با موانع کوهستانی و در آن هنگام دریای بسط یافتنه خزر مواجه شدند. و برای چندین نسل، آدمیها شکار کردند، گله‌داری کردند و زمین اطراف سکونتگاههای خود را که در سرتاسر ترکستان پراکنده بود کشت کردند. این مردم والا به آرامی قلمروی خود را به داخل اروپا گسترش دادند. اما در آن هنگام آدمیها از شرق به اروپا وارد می‌شوند و فرهنگ انسان آبی را هزاران سال عقب‌تر از فرهنگ آسیا می‌یابند، زیرا این ناحیه تقریباً به طور کامل خارج از دسترس بین‌النهرین قرار داشته است.

۳- انسان آبی کرومانیون

مراکز باستانی فرهنگی انسان آبی در امتداد تمامی رودخانه‌های اروپا واقع شده بودند، اما اکنون فقط رود سم در همان کانالی جریان دارد که در طول روزگاران پیش از یخ‌رودی آن را دنبال می‌نمود.

در حالی که مادر باره انسان آبی به عنوان انسانی که بر قاره اروپا مستولی بود سخن می‌گوییم، چندین نوع نژاد دیگر نیز وجود داشتند. حتی سی و پنج هزار سال قبل نژادهای آبی اروپایی از پیش مردمی بسیار در هم آمیخته بودند که هم رگه‌های سرخ و هم زرد را حمل می‌کردند، در حالی که در سواحل اقیانوس اطلس و در نواحی روسیه امروزی مقدار قابل ملاحظه‌ای از خون اندانی را جذب کرده بودند و در سمت جنوب با مردمان صحرای آفریقا در تماس بودند. اما تلاش برای برشمردن گروه‌های زیاد نژادی بی‌ثمر است.

تمدن اروپایی این دوره آغازین پس از آدم یک آمیزه بی‌نظیر از توان و هنر انسانهای آبی با ابداع خلاق نسل آدم بود. انسانهای آبی نژادی بسیار توانمند بودند، اما وضعیت فرهنگی و روحانی نسل آدم را به اندازه فاحش تنزل دادند. این برای آدمیان بسیار مشکل بود که با مذهب خود روی انسانهای کرومانیون که بسیاری از آنان به فریب و از راه به در بردن دختران تمایل داشتند، تأثیر بگذارند. برای ده هزار سال مذهب در اروپا در مقایسه با پیشرفتهای هند و مصر در یک نقطه پایین قرار داشت.

انسانهای آبی در تمامی معاملات خود کاملاً صادق بودند و به طول کامل از بلیدیهای جنسی نسل مختلط آدم فارغ بودند. آنها به باکره‌گی دختران احترام می‌گذاشتند و تنها هنگامی که جنگ موجب کمبود مردان می‌گشت به چند همسری دست می‌زدند.

این مردمان کرومانیون یک نژاد دلیر و دوراندیش بودند. آنها یک سیستم مؤثر پرورش کودک را حفظ کردند. پدر و مادر، هر دو در این کارها شرکت می‌کردند، و خدمات فرزندان مسن تر به طور کامل به کار گرفته می‌شد. هر فرزند در مراقبت از غارها، در هنر و در ساختن سنگ چخماق با دقت آموزش داده می‌شد. زنان در سن پایین در هنرهای خانگی و در کشاورزی ابتدایی به خوبی آرموده بودند، در حالی که مردان شکارچینی ماهر و جنگجویانی دلاور بودند.

انسانهای آبی، شکارچی، ماهی‌گیر و گردآورنده غذا بودند. آنها قایق‌سازان ماهری بودند. آنها تیرهای سنگی می‌ساختند، درختان را قطع می‌کردند، کلبه‌هایی از الوار که بخشاً در زیر زمین قرار داشته و با پوست حیوانات سقف‌گذاری شده بود، برپا می‌کردند. و مردمانی وجود دارند که هنوز کلبه‌هایی مشابه در سیبری می‌سازند. انسانهای جنوبی کرومانیون معمولاً در غارها و شکاف کوهها زندگی می‌کردند.

این برای نگهبانان آنان غیر عادی نبود که در طول سرمای شدید زمستان در مدخل غارها به پاسداری شبانه بایستند و منجمد شده و بمیرند. آنها شهامت داشتند، اما فراتر از همه، آنها هنرمند بودند. اختلاط نسل آدم به ناگهان نوآوری خلاق را شتاب بخشید. اوج هنر انسان آبی در حدود پانزده هزار سال پیش بود، قبل از روزهایی که نژادهای پوست تیره‌تر از آفریقا از طریق اسپانیا به شمال آمدند.

در حدود پانزده هزار سال پیش جنگلهای آلپ وسیعاً در حال گسترش بودند. شکارچیان اروپایی از طریق همان اجبار جوی که سرزمینهای شادی برانگیز شکار کره زمین را به صحراهای خشک و بایر تبدیل ساخته بود، در حال رانده شدن به دره رودخانه‌ها و سواحل دریاها بودند. به تدریج که بادهای بارانی به سوی شمال تغییر جهت دادند، چراگاههای باز بزرگ اروپا از جنگلهای پوشیده گردیدند. این تغییرات عظیم جوی و نسبتاً ناگهانی نژادهای اروپا را ناچار ساخت از شکارچیان فضای باز به گله‌داران و تا اندازه‌ای به ماهی‌گیران و کشتگران زمین تبدیل شوند.

این تغییرات در حالی که به پیشرفتهای فرهنگی انجامید، برخی پسر و پهای بیولوژیک را ایجاد نمود. در طول عصر پیشین شکار قبایل برتر با انواع بالاتر اسیران جنگی از دواج بین نژادی کرده بودند و بدون استثنا آنها را که پست تر می‌پنداشتند نابود کرده بودند. اما به تدریج که برقراری اسکانگاهها را آغاز کردند و درگیر کشاورزی و بازرگانی شدند، شروع به حفظ بسیاری از اسیران معمولی به عنوان برده نمودند. و زاد و رود این بردگان بودند که متعاقباً به اندازه بسیار زیاد تمامی نوع کروماتیون را از کیفیت انداخت. این پسر و ی فرهنگی ادامه یافت تا این که یک نیروی محرکه تازه از شرق دریافت کرد. در آن هنگام تهاجم نهایی و دسته جمعی بین النهرینی‌ها سراسر اروپا را در نوردید و به سرعت نوع و فرهنگ کروماتیون را جذب نموده و تمدن نژادهای سفید را بنیان نهاد.

۴- تهاجمات آندیها به اروپا

در حالی که آندیها به شکل یک جریان مداوم به داخل اروپا هجوم آوردند، هفت تهاجم اصلی صورت پذیرفت و آخرین ورودها بر پشت اسبها در سه موج عظیم به انجام رسید. برخی از طریق جزایر دریای اژه و بالای دره رود دانوب به اروپا وارد شدند اما اکثریت رگه‌های بیشتر و خالص‌تر از طریق مسیر شمالی در آن سوی چراگاههای ولگا و دون به شمال غربی اروپا مهاجرت کردند.

بین سومین و چهارمین تهاجم، انبوهی از اندانیها که از طریق رودخانه‌های روسیه و منطقه بالتیک از سیریه می‌آمدند از شمال به اروپا وارد شدند. آنها فوراً به وسیله قبایل شمالی آندی جذب شدند.

گسترش‌های اولیه نژاد خالص تر بنفش بارها صلح‌جویانه‌تر از گسترش‌های نوادگان آندی نیمه جنگجو و دوستدار کشور گشایی آنها بود. آدمیها صلح‌جو بودند، نودیها ستیزگرا بودند. وصلت این دو تیره، آنطور که بعدها با نژادهای سنگیک در آمیخت، آندیهای توانمند و بی‌باک را به وجود آورد که به کشور گشاییهای نظامی واقعی دست زدند.

اما اسب آن عامل تکاملی بود که چیرگی آندیها را در باختر تعیین نمود. اسب به آندیهای پراکنده مزیت تا آن هنگام ناموجود تحرک را داد و آخرین گروههای سوار کار آندی را قادر ساخت به سرعت در اطراف دریای خزر پیش رفته تا سراسر اروپا را در نورددند. تمامی امواج پیشین آندیها آنقدر به کندی حرکت کرده بودند که در هر فاصله زیاد از بین النهرین تمایل به تلاشی داشتند. اما این امواج دوران بعد آنقدر به سرعت حرکت کردند که به صورت گروههای منسجم به اروپا رسیدند و در عین حال اندازه معینی از فرهنگ بالاتر را حفظ نمودند.

تمامی دنیای مسکونی، خارج از چین و ناحیه رود فرات برای ده هزار سال پیشرفت فرهنگی بسیار محدودی کرده بود تا این که اسب سواران سخت کوش آندی در هزاره ششم و هفتم پیش از مسیح پدیدار شدند. همینطور که آنها به سوی غرب به آن سوی دشتهای روسیه حرکت می کردند و بهترین های انسان آبی را جذب می کردند و بدترین ها را نابود می کردند، به شکل یک مردم در هم ادغام شدند. اینها نیاکان نژادهای موسوم به نوردیک، اجداد مردمان اسکاندیناوی، آلمانی و انگلوساکسون بودند.

مدت زیادی طول نکشید که رگه های برتر آبی به طور کامل توسط آندیها در سراسر شمال اروپا جذب شدند. تنها در لاپلند (و تا حد مشخصی در بریتانی) اندانیهای قدیمی تر حتی شباهتی از هویت را حفظ کردند.

۵- تسخیر شمال اروپا توسط آندیها

قبایل شمال اروپا با جریان مداوم مهاجران بین النهرین با عبور از مناطق روسی جنوب ترکستان به طور پیوسته تقویت شده و ارتقا داده می شدند، و هنگامی که آخرین امواج سوارکاران آندی اروپا را درنوردیدند، بیش از هر نقطه دیگر دنیا مردان بیشتری با میراث آندی در آن ناحیه وجود داشت. برای سه هزار سال ستاد نظامی آندیهای شمالی در دانمارک بود. آنطور که قرون متممادی شاهد آمیزش نهایبی کشور گشایان بین النهرینی با مردمان تحت سلطه بود، از این نقطه مرکزی امواج متوالی کشور گشایان که به طور کاهش یابنده آندی و به طور فزاینده سفید می شدند عزیمت کردند.

در حالی که انسان آبی در شمال جذب شده بود و نهایتاً تسلیم سوارکاران سفید مهاجم که به جنوب رخنه کردند شد، قبایل در حال پیشروی نژاد مختلط سفید با مقاومت سرسختانه و طولانی انسانهای کرومانیون مواجه شدند، اما هوش برتر و ذخایر پیوسته فزاینده بیولوژیک آنها را قادر ساخت نژاد قدیمی تر را محو سازند. مبارزات سرنوشت ساز بین انسان سفید و انسان آبی در دره رود سم جنگیده شدند. در اینجا، نخبه های نژاد آبی با شدت با آندیهای در حال حرکت به سمت جنوب دست به ستیزه زدند، و برای بیش از پانصد سال این انسانهای کرومانیون پیش از تسلیم شدن به استراتژی برتر نظامی مهاجمان سفید از سرزمینهای خود به طور موفقیت آمیز دفاع کردند. تر، فرمانده پیروزمندار تشهای شمال در نبرد نهایبی سم، قهرمان قبایل شمالی سفید شد و بعدها توسط برخی از آنان به عنوان خدا مورد احترام و تقدیس قرار گرفت.

دژهای مستحکم انسان آبی که از همه بیشتر دوام آوردند در جنوب فرانسه قرار داشتند، اما آخرین مقاومت بزرگ نظامی در امتداد سم مورد غلبه واقع شد. کشور گشایی بعدی به وسیله نفوذ تجاری، فشار جمعیت در امتداد رودخانه ها و به وسیله ازدواج بین نژادی با انسانهای برتر به همراه نابودسازی بی رحمانه انسانهای پست تر پیش رفت.

هنگامی که شورای قبیله ای بزرگان آندی حکمی مبنی بر عدم شایستگی یک اسیر پست تر صادر کرده بود، وی به وسیله یک مراسم مفصل به کاهنان قبیله سپرده شد. آنها نیز او را به رودخانه اسکورت کردند و مراسم «سرزمینهای شاد شکار» - زیر آب بردن هلاک کننده - را اجرا کردند. مهاجمان سفید اروپا بدین طریق در مواجهه با تمامی مردمانی که به سرعت در صفوف آنان جذب نمی شدند، آنها را نابود می ساختند، و بدین ترتیب انسان آبی به پایان عاقبت خود رسید، و این کار به سرعت انجام پذیرفت. انسان آبی کرومانیون در برگیرنده بنیان بیولوژیک برای نژادهای امروزی اروپا بود، اما آنها تنها آنطور که به

وسیله استیلاگران بعدی و قدرت‌تمند سرزمینهای آبا و اجدادی خویش جذب شدند، بقا یافته‌اند. رگه‌آبی و ویژگیهای پردوام بسیار و نیروی فیزیکی زیادی به نژادهای سفید اروپا ارزانی داشته است، اما مزاح و قدرت تخیل مردمان درهم آمیخته اروپایی از آندیها سرچشمه یافته است. این وصلت آندی - آبی که به نژادهای شمالی سفید انجامید، یک پسر وی فوری، یک قهقرا با طبیعت زودگذر، برای تمدن آندی ایجاد نمود. سرانجام برتری پنهان این بربریهای شمالی خود را نمایان ساخت و به تمدن امروزی اروپا منجر شد.

تا ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، نژادهای در حال تکامل سفید در سرتاسر شمال اروپا، شامل شمال آلمان، شمال فرانسه و جزایر بریتانیا چیره بودند. اروپای مرکزی برای مدتی به وسیله انسان آبی و اندانیهای سرگرد کنترل می‌شد. دومی‌ها عمدتاً در دره رود دانوب مستقر بودند و هرگز به طور کامل به وسیله آندیها جایجا نشدند.

۶- آندیهای کنار رود نیل

از روزگاران مهاجرت‌های نهایی آندیها، فرهنگ در دره رود فرات تنزل یافت، و مرکز بلافصل تمدن به دره رود نیل تغییر مکان داد. مصر جانشین بین‌النهرین به عنوان مقر مرکزی پیشرفته‌ترین گروه در کره زمین شد. دره رود نیل مدت کوتاهی پیش از دره‌های بین‌النهرین در اثر سیلابها دستخوش آسیب گردید اما سرانجام بسیار بهتری داشت. این پسر وی اولیه به وسیله جریان متداوم مهاجران آندی فراتر از حد جبران گشت، طوری که فرهنگ مصر با آن که به راستی از ناحیه رود فرات سرچشمه یافته بود، به نظر می‌رسید به سرعت پیش می‌رود. اما در ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در طول دوره سیل در بین‌النهرین، هفت گروه مشخص از موجودات بشری در مصر وجود داشتند که همگی به استثنای یکی از بین‌النهرین آمدند.

هنگامی که آخرین خروج از دره رود فرات صورت گرفت، مصر در دستیابی به بسیاری از ماهرترین هنرمندان و صنعتگران خوش اقبال بود. این صنعتگران آندی خود را کاملاً در میهن یافتند، بدین لحاظ که با زندگی رودخانه‌ای، سیلهای آن، آبیاریها و فصول خشک تماماً آشنا بودند. آنها از موقعیت ایمن دره رود نیل بهره‌مند می‌شدند. آنها در آنجا نسبت به کنار رود فرات بسیار کمتر در معرض یورشها و حملات خصمانه قرار داشتند. و آنها به اندازه زیادی به هنر فلزکاری مصریان افزودند. آنها در اینجا با سنگ معدن آهن که به جای نواحی دریای سیاه از کوه سینا می‌آمد کار کردند.

مصریان در همان اوان خدایان شهری خویش را به شکل یک سیستم ملی پر طول و تفصیل از خدایان در هم ادغام کردند. آنها یک الهیات جامع به وجود آوردند و به همان نسبت یک کهنات جامع اما پرمسئولیت داشتند. چندین رهبر گوناگون در صدد احیای بقایای آموزشهای اولیه مذهبی شیثیها برآمدند، اما عمر این تلاشها کوتاه بود. آندیها اولین ساختمانهای سنگی را در مصر ساختند. اولین و عالی‌ترین اهرام سنگی توسط ایمهوتپ، یک نابغه معماری آندی، که به عنوان نخست وزیر خدمت می‌کرد بنا شد. ساختمانهای پیشین از آجر ساخته شده بودند، و در حالی که بسیاری از ساختمانهای سنگی در قسمتهای مختلف دنیا بنا شده بودند، این اولین در مصر بود. اما هنر ساختن از روزگاران این آرشیتکت بزرگ به طور پیوسته افول کرد.

عمر این عصر تابناک فرهنگی به وسیله جنگ داخلی در امتداد رود نیل کوتاه گردید، و کشور آنطور که برای بین‌النهرین روی داد، به زودی توسط قبایل پست‌تر از عربستان نامهمان نواز و توسط سیاهان از جنوب مورد تاخت و تاز قرار گرفت. در نتیجه، پیشرفت اجتماعی برای بیش از پانصد سال به طور پیوسته افول کرد.

۷- آندیهای جزایر مدیترانه

در طول افول فرهنگ در بین‌النهرین یک تمدن برتر در جزایر شرقی مدیترانه برای مدتی دوام آورد. در حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح یک قبیله باهوش و با استعداد آندی به کُرت مهاجرت کرد. این تنها جزیره‌ای بود که به وسیله چنین گروه برتری بسیار زود مورد اسکان واقع شد، و این امر تقریباً دو هزار سال پیش از این که نوادگان این دریانوردان در جزایر همسایه پخش شوند روی داد. این گروه، آندیهای سرباریک و کوچک قامت بودند که با بخش وُنی نودیهای شمالی ازدواج بین‌نژادی کرده بودند. آنها همگی زیر شش فوت قد داشتند و به وسیله همتهای بزرگتر و پست‌تر خویش عملاً از سرزمین اصلی بیرون رانده شده بودند. این مهاجران به کُرت در نَساجی، فلزات، سفالگری، لوله‌کشی و استفاده از سنگ به عنوان ماده ساختمانی بسیار مهارت داشتند. آنها درگیر نوشتن شدند و به عنوان گله‌دار و کشاورز ادامه زندگی دادند. تقریباً دو هزار سال بعد از برقراری سکونتگاه کُرت یک گروه از نوادگان بلند قد آدمسان راه خویش را با عبور از جزایر شمالی به یونان گشودند. آنها تقریباً به طور مستقیم از وطن کوهستانی خویش در شمال بین‌النهرین می‌آمدند. این نیاکان یونانیها توسط ساتو، یک نواده مستقیم آدمسان و راتا، به سوی غرب هدایت شدند. گروهی که نهایتاً در یونان استقرار یافت، شامل سیصد و هفتاد و پنج نفر مردم برجسته و برتر بود که دربرگیرنده پایان دومین تمدن نسل آدمسان بود. این فرزندان بعد آدمسان ارزشمندترین رگه‌های نژادهای در حال پدیداری سفید آن زمان را حمل می‌کردند. آنها از یک مرتبت بسیار روشنفکر بودند و از نظر فیزیکی زیباترین انسانها از روزگاران عدن اول محسوب می‌شدند.

به زودی یونان و جزایر ناحیه دریای اژه جانشین بین‌النهرین و مصر به عنوان مرکز باختری بازرگانی، هنر و فرهنگ شدند. اما چنان که در مصر واقع شد، بار دیگر به استثنای فرهنگ نیاکان آدمسانی یونانیها عملاً تمامی هنر و علم دنیای اژه از بین‌النهرین سرچشمه یافت. تمامی هنر و نبوغ این مردم اخیرالذکر یک میراث مستقیم نسلهای آینده آدمسان، اولین فرزند آدم و حوا، و همسر دوم خارق‌العاده وی، دختری که برآمده از یک خط غیرمنقطع از پرسنل نودی خالص پرنس کلیکسشیا بود می‌باشد. تعجبی ندارد که یونانیها حکایاتی اسطوره‌ای مبنی بر این که آنان مستقیماً از نسل خدایان و موجودات فوق بشری بودند داشتند. ناحیه دریای اژه از پنج مرحله مشخص فرهنگی عبور نمود که هر یک از قبلی کمتر معنوی بود، و در مدتی نه چندان زیاد آخرین عصر شکوهمند هنر زیر وزن نسلهای آینده به سرعت در حال افزایش کم کیفیت بردگان دانوب که به وسیله نسلهای بعدی یونانیها وارد شده بودند محو گردید.

در طول این عصر در کُرت بود که فرقه مادر متعلق به نسلهای آینده قانن به بیشترین محبوبیت خود دست یافت. این فرقه در پرستش «مادر بزرگ» از حواستایش می‌کرد. تصاویر حوا در همه جا بود. هزاران زیارتگاه عمومی در سرتاسر کُرت و آسیای صغیر برپا شده بود. و این فرقه مادر تا روزگاران مسیح تداوم یافت و بعدها در مذهب اولیه مسیحیت تحت پوشش ستایش و پرستش مریم، مادر زمینی عیسی، درآمیخت.

تا حدود ۶۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در میراث معنوی آندیها افول بزرگی به وقوع پیوسته بود. نسلهای آینده آدم به طور گسترده پراکنده شده و عملاً در نژادهای باستانی تر و پرجمعیت تر بشری ادغام شده بودند. و این زوال تمدن آندی به همراه محواستانداردهای مذهبی آنها، نژادهای از نظر معنوی تحلیل رفته دنیا را در شرایط رقت باری قرار داد.

تا ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح سه خالص ترین رگه نوادگان آدم در سومر، شمال اروپا و یونان بودند. از کیفیت تمامی بین‌النهرین به وسیله جریان نژادهای مختلط و تیره‌تری که از عربستان داخل می‌شدند داشت به آرامی کاسته می‌شد. و آمدن این مردمان پست تر به تفرق باقیمانده بیولوژیک و فرهنگی آندیها در خارج بیشتر کمک نمود. از سرتاسر هلال حاصلخیز مردمان ماجراجوتر به سوی غرب به جزیره‌ها هجوم آوردند. این مهاجران غلات و سبزیجات را هر دو کشت کرده، و حیوانات اهلی را با خود آوردند.

در حدود ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح یک گروه نیرومند از بین‌النهرینی‌های پیشرو از دره فرات خارج شده و در جزیره قبرس ساکن شدند. این تمدن در حدود دو هزار سال بعد توسط فوجی از بربریه‌های شمال نابود شدند.

گروه بزرگ دیگر در منطقه مدیترانه در نزدیکی مکان بعدی سرزمین کارتاژ استقرار یافت. و از شمال آفریقا تعداد زیادی از آندیها به اسپانیا وارد شدند و بعدها با برادرانشان که پیش از آن از جزایر دریای اژه به ایتالیا آمده بودند در سویس در آمیختند.

هنگامی که مصر در افول فرهنگی از بین‌النهرین دنباله‌روی نمود، بسیاری از خانواده‌های توانمندتر و پیشرفته‌تر به کثرت گریختند و بدین ترتیب به اندازه زیادی این تمدن از پیش پیشرفته را ارتقا دادند. و هنگامی که ورود گروه‌های پست‌تر از مصر بعدها تمدن کثرت را در معرض تهدید قرار داد، خانواده‌های با فرهنگ‌تر به سوی غرب به یونان عزیمت کردند.

یونانیها نه فقط آموزگاران و هنرمندان بزرگی بودند، بلکه بزرگترین بازرگانان و کوچ‌نشینان دنیا بودند. پیش از گردن نهادن به سیل مردمان پست‌تر که نهایتاً هنر و بازرگانی آنها را احاطه نمودند، به قدری در ایجاد پایگاه‌های زیاد فرهنگی در سمت غرب موفق شدند که پیشرفتهای بسیار تمدن اولیه یونان در مردمان آینده جنوب اروپا تداوم یافت، و بسیاری از نوادگان مختلط این آدمسایها به قبایل سرزمینهای اصلی مجاور ملحق شدند.

۸- اندانیهای دانوب

مردمان آندی دره فرات به سوی شمال به اروپا مهاجرت کردند تا با انسانهای آبی در آمیزند و نیز به سوی غرب به داخل نواحی مدیترانه، تا با بقایای مردم در هم آمیخته صحرا و انسانهای آبی جنوبی اختلاط یابند. و این دو شاخه نژاد سفید به وسیله بقا یافتگان سر فراخ کوه نشین قبایل پیشین اندانی که مدت‌ها در این نواحی مرکزی سکونت داشتند وسیعاً فاصله داشته و دارند.

این نوادگان اندان در بیشتر نواحی کوهستانی مرکزی و جنوب شرقی اروپا پراکنده بودند. آنها اغلب توسط مردمی که از آسیای صغیر آمده و برای مدتی طولانی آن ناحیه را اشغال کردند تقویت شده بودند. هیتی‌های باستانی مستقیماً از تیره اندانی برآمدند. پوستهای کم رنگ و سرهای فراخ آنها ویژگی بارز آن نژاد بود. این رگه به اصل و نسب ابراهیم انتقال یافته بود و به اندازه زیاد روی ویژگی ظاهر صورت نوادگان بعدی یهودی او تأثیر گذاشت. این نوادگان ضمن این که از فرهنگ و مذهبی که از آندیها سرچشمه یافته بود برخوردار بودند، با یک زبان بسیار متفاوت صحبت می‌کردند. زبان آنها به طور بارز اندانی بود.

قبایلی که در خانه‌های بنا شده روی کپه‌ها یا ستونهایی از تنه درختان روی دریاچه‌های ایتالیا، سوئیس و جنوب اروپا زندگی می‌کردند، حاشیه‌های در حال گسترش مهاجرت‌های آفریقایی، آژهای و بیشتر به ویژه دانوبی بودند.

دانوبیها اندانی بودند. آنها کشاورزان و گله‌دارانی بودند که از طریق شبه جزیره بالکان به اروپا وارد شده و از طریق دره دانوب به آهستگی به سوی شمال در حال حرکت بودند. آنها ظروف سفالی می‌ساختند و زمین را کشت می‌کردند و ترجیح می‌دادند در دره‌ها زندگی کنند. شمالی‌ترین سکونتگاه دانوبیها در لیژ در بلژیک قرار داشت. این قبایل همینطور که از مرکز و منبع فرهنگ خود دور می‌شدند به سرعت کیفیت خود را از دست دادند. بهترین سفالگری محصول سکونتگاههای پیشین است.

دانوبیها در نتیجه کار مبلغین مذهبی کرت پرستشگر مادر شدند. این قبایل بعدها با گروه‌های دریانورد اندانی که به وسیله قایق از ساحل آسیای صغیر آمدند و آنها نیز پرستشگر مادر بودند در آمیختند. بیشتر اروپای مرکزی در همان اوان به این نحو به وسیله این انواع مختلط نژادهای سفید سر فراخ که پرستش مادر و آداب و رسوم مذهبی سوزاندن مردگان را اجرا می‌کردند مسکونی گردید. این رسم فرقه‌گرایان مادر بود که مردگان خود را در کلبه‌های سنگی بسوزانند.

۹- سه نژاد سفید

در نزدیکی پایان دوران مهاجرت‌های آندیها اختلاط‌های نژادی در اروپا به سه نژاد سفید به صورت زیرین عمومیت یافت:

۱- **نژاد سفید شمالی** - این نژاد موسوم به نوردیک عمدتاً شامل انسان آبی به علاوه آندی می‌شد، اما همچنین دربرگیرنده مقدار قابل ملاحظه‌ای از خون اندانی به همراه مقادیر کمتری از سنگیک سرخ و زرد بود. از این رو نژاد شمالی سفید حاوی این چهار مطلوبترین تیره بشری بود. اما بزرگترین میراث از انسان آبی بود. انسان نمادین اولیه نوردیک، سر دراز، بلند قد و مو طلایی بود. اما مدت‌ها قبل این نژاد به طور کامل با تمامی شاخه‌های مردمان سفید مخلوط شد.

فرهنگ بدوی اروپا، که مهاجمان نوردیک با آن مواجه شدند، یک فرهنگ دانوبیهای در حال قهقرا بود که با انسان آبی در آمیخته بودند. فرهنگهای نوردیک - دانمارکی و دانوبی - اندانی در ناحیه رودخانه راین با هم آشنا شده و در آمیختند، همانطور که به وسیله وجود دو گروه نژادی امروزه در آلمان مشاهده می‌شود.

نوردیکها تجارت عنبر را از ساحل بالتیک ادامه دادند و یک بازرگانی بزرگ باسرفراخهای دره دانوب از طریق گذرگاه برنر ایجاد نمودند. این تماس گسترده با دانوبیها، موجب شد این شمالی‌ها به پرستش مادر دست زنند، و برای چندین هزار سال سوزاندن مردگان تقریباً در سراسر اسکاندیناوی رایج بود. این روشن می‌سازد که چرا بقایای نژادهای پیشین سفید به رغم این که در همه جای اروپا دفن هستند، یافت نمی‌شود، فقط خاکستر آنها در بستوهای سنگی و سفالی قابل یافتن است. این انسانهای سفید همچنین دست به ساختن خانه زدند. آنها هرگز در غار زندگی نکردند. و باز این روشن می‌سازد که چرا نشانه‌های اندکی از فرهنگ اولیه انسان سفید وجود دارد، با این که نوع پیشین کرومانیون در جایی که در غارها و شکاف کوهها در ایمنی مهر و موم شده، به خوبی حفظ شده است. چنان که رخ داد، یک روز در شمال اروپا یک فرهنگ بدوی از دانوبیهای در حال قهقرا و انسان آبی وجود دارد، و روز بعد یک فرهنگ به ناگهان در حال ظهور و وسیعاً برتر انسان سفید.

۲- نژاد مرکزی سفید - در حالی که این گروه دربرگیرنده رگه‌هایی از آبی، زرد و آندی می‌باشد، عمدتاً اندانی است. این مردمان سر فراخ، سیه چرده و کوتاه و بهن هستند. آنها همانند یک شکل هرم مانند بین نژادهای نور دیک و مدیترانه‌ای هستند که ضلع پهن آن در آسیا قرار گرفته و رأس آن تا شرق فرانسه رسوخ می‌کند.

برای تقریباً بیست هزار سال اندانیها توسط آندیها بیشتر و بیشتر به سوی شمال آسیای مرکزی رانده شده بودند. تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح خشکی فزاینده این اندانیها را به داخل ترکستان عقب می‌راند. این رانش اندانیها به سوی جنوب برای بیش از هزار سال ادامه یافت و ضمن جدا شدن در اطراف دریاهاى خزر و سیاه، از طریق کشورهای بالکان و اوکراین به اروپا رخنه کرد. این مهاجم شامل گروههای باقیمانده نوادگان آدمسان بود، و در طول نیمه دوم دوره مهاجم تعداد قابل ملاحظه‌ای از ایرانیهای آندی و نیز نوادگان کاهنان شیت را با خود دربر می‌گرفت.

تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح رانش اندانیها به سوی غرب به اروپا رسید. و این هجوم بربریه‌های تپه‌های ترکستان به سرتاسر بین‌النهرین، آسیای صغیر و حوزه دانوب، تشکیل دهنده جدی‌ترین و پایدارترین عقب‌روی فرهنگی تا آن زمان بود. این مهاجمان به طور یقین سرشت نژادهای اروپای مرکزی را اندانی کردند، که از آن هنگام ویژگی آن آلیی باقی مانده است.

۳- نژاد جنوبی سفید - این نژاد سبزه‌مدیترانه‌ای شامل آمیزه‌ای از انسانهای آندی و آبی، با مقدار کمتری از رگه‌اندانی نسبت به شمال، بود. این گروه همچنین مقدار قابل ملاحظه‌ای از خون سنگیک ثانویه از طریق مردمان صحرا جذب نمود. در روزگاران بعد عناصر قوی آندی از شرق مدیترانه به این بخش جنوبی نژاد سفید تزریق شد.

با این وجود، سرزمینهای کرانه‌ای مدیترانه تا روزگاران مهاجمات بزرگ بیابان گردان در ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، توسط آندیها مورد نفوذ واقع نشد. داد و ستد زمینی و بازرگانی در طول این قرون، هنگامی که بیابان گردان به مناطق شرقی مدیترانه مهاجم کردند، تقریباً متوقف شد. این اختلال در حمل و نقل زمینی موجب گسترش بزرگ داد و ستد و بازرگانی دریایی گردید. بازرگانی تولد یافته در دریای مدیترانه در حدود چهار هزار و پانصد سال پیش به اوج خود رسید. و این پیدایش داد و ستد دریایی به گسترش ناگهانی نوادگان آندیها در سرتاسر تمامی ناحیه ساحلی حوزه مدیترانه منجر گشت.

این اختلاطهای نژادی شالوده‌های نژاد جنوبی اروپایی، آمیخته‌ترین نژادها، را پی افکند. و از این روزگاران این نژاد باز تحت اختلاط بیشتر، به طور مشخص با مردمان آبی - زرد - آندی عربستان، قرار گرفته است. این نژاد مدیترانه‌ای در واقع آنقدر به طور آزادانه با مردمان اطراف اختلاط یافته است که عملاً به عنوان یک نوع جداگانه غیر قابل تشخیص است، اما به طور کلی اعضای آن کوتاه، سر دراز و سبزه هستند.

در شمال آندیها از طریق جنگ و ازدواج، انسانهای آبی را از بین بردند، اما در جنوب آنها به تعداد بیشتری بقا یافتند. مردم باسک و مردم پرپر نمایانگر بقای دو شاخه این نژاد هستند، اما حتی این مردمان به طور کامل با مردمان صحرا اختلاط یافته‌اند.

این تصویر اختلاط نژادی بود که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در اروپای مرکزی بروز یافت. به رغم خطای جزئی آدم، انواع بالاتر در آمیختند.

این روزگاران عصر نوبین حجر بود که با عصر در حال ظهور برنز تداخل می‌کرد. در اسکاندیناوی عصر برنز به

پرستش مادر مربوط بود. در جنوب فرانسه و اسپانیا عصر نوین حجر با پرستش خورشید مربوط بود. این روزگار ساختن معابد خورشید گرد و بدون سقف بود. نژادهای سفید اروپایی ساختمان سازانی پرانرژی بودند و از کار گذاشتن سنگهای بزرگ به عنوان پیشکش به خورشید شادمان می شدند، همانطور که نوادگان آنان در روزگاران بعد در استون هنج چنین کردند. رواج پرستش خورشید نشان می دهد که این یک دوره بزرگ کشاورزی در جنوب اروپا بود.

خرافات این عصر نسبتاً اخیر پرستش خورشید حتی اکنون در روش تفکر و عمل مردم بریتانی پابرجا است. این مردم بریتانی اگر چه برای بیش از هزار و پانصد سال است که مسیحی شده اند، هنوز زیورآلات جادویی عصر نوین حجر را برای دور کردن چشم بد حفظ کرده اند. آنها هنوز سنگهای تندر را به منظور حفاظت در برابر رعد و برق در دودکش نگاه می دارند. مردم بریتانی هرگز با نوردیکهای اسکاندیناوی اختلاط نیافتند. آنها بقا یافتگان ساکنان اصلی اندانی اروپای غربی هستند که با تیره مدیترانه ای در آمیخته اند.

اما این یک اشتباه است که تصور شود مردمان سفید باید به صورت نوردیک، آلیپی و مدیترانه ای طبقه بندی شوند. در مجموع چنان اختلاط زیادی رخ داده است که نمی توان به یک چنین گروه بندی اجازه داده شود. در زمانی یک بخش نسبتاً خوب تعریف شده از نژاد سفید در داخل چنین طبقاتی وجود داشت، اما از آن هنگام در آمیختگی گسترده ای به وقوع پیوسته است، و دیگر میسر نیست این تمایزات را با شفافیت تعیین نمود. حتی در ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح گروههای باستانی اجتماعی همانقدر به یک نژاد مشخص تعلق داشتند که ساکنان کنونی آمریکای شمالی دارند.

این فرهنگ اروپایی برای پنج هزار سال به رشد و تا اندازه ای به آمیزش ادامه داد. اما مانع زبان از حرکت متقابل کامل ملل گوناگون باختر ممانعت کرد. در طول قرن گذشته این فرهنگ بهترین موقعیت خود را برای در آمیختگی در جمعیت جهان شهری آمریکای شمالی تجربه کرده است، و آینده آن قاره به وسیله کیفیت عوامل نژادی که اجازه خواهند یافت در داخل جمعیتهای کنونی و آینده آن وارد شوند و نیز توسط سطح فرهنگ اجتماعی که حفظ می شود تعیین خواهد شد.

[عرضه شده توسط یک فرشته اعظم نبادان.]